



حق

پرسش: چگونگی تشخیص حق از باطل را در دیدگاه قرآن بیان کنید؟

فهرست مندرجات

- ۱ - مقدمه
- ۲ - شناخت حق و باطل در قرآن
- ۳ - معنای حق
- ۴ - معنای باطل
- ۵ - تفاوت‌های حق و باطل
- ۶ - نتیجه
- ۷ - معرفی منابع بیشتر
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

مقدمه

پاسخ:

تشخیص حق از باطل یکی از اساسی‌ترین مراحل زندگی بشر است و هر انسانی، خواه ناخواه، پیوسته با این مسأله در زندگی خود روبرو می‌شود. انسان‌ها همیشه برای موجه جلوه دادن خود، موضع خود را حق و موضع طرف مقابل را باطل معرفی می‌کنند. حتی شریورترین افراد به این مطلب توجه دارند و در ناشایست‌ترین اعمال، خود را صاحب حق می‌دانند.

شناخت حق و باطل در قرآن

حال که هر کسی خود را بر حق می‌داند، باید حق و ویژگی‌های آن را شناخت تا سره از ناسره جدا شود و «سپه روی شود هر که در او غش باشد». قرآن کریم که کتاب آسمانی و به دور از هر تحریف می‌باشد و سراسر حق است، خود را «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰمَنُوْا بِالْحَقِّ وَارْتَبِعُوْا وَاٰتِىُّوْا بِالْحَقِّ» [۱] بیانگر همه چیز معرفی می‌کند. یکی از روش‌های قرآن کریم برای بیان مسائل گوناگون، استفاده از مثال است. **خداوند** بسیاری از مسائل اخلاقی، عرفانی و عقلی و... را در قالب مثال‌های زیبا بیان کرده است. در بحث مورد نظر نیز با یک مثال تمام ابعاد موضوع را به خوبی بیان کرده است. خداوند در آیه ۱۷ **سوره زمر** می‌فرماید: «اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ اَوْدِيَةً يَقْدَرُهَا قَادِرُهَا فَاحْتَمِلِ السَّيْلُ رِبْدًا رَٰبِيًا وَمِمَّا يُوقِدُوْنَ عَلَيْهِ فِى النَّارِ اثِيْعًا جَلِيَّةً اَوْ مَنَاعَ رَبِّدٍ مِّثْلَهُ كَذٰلِكَ يَصْرَفُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالبَاطِلَ فَاَمَّا الرِّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِى الْاَرْضِ كَذٰلِكَ يَصْرَفُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ - خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری ساخت. سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن **زینت** آلات یا وسایل زندگی آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند. اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین می‌ماند. خداوند این چنین مثال می‌زند.» [۲]

معنای حق

از نظر متخصصین لغت عربی، حق، چیزی است که ثابت، دوام و تحقق خارجی دارد. به عبارت دیگر حق آن است که واقعاً وجود دارد و وجودش اصیل است و قابل زوال نیست. [۳] [۴]

معنای باطل

باطل، وجودش اصیل نیست و زایل شدنی است. [۵] [۶] مانند: درخت و سایه‌اش، که درخت وجودش واقعی و اصیل است، اما سایه‌اش وجود اصیل ندارد و فانی است. خداوند در آیه شریفه، حق را به آب یا فلزات سودمند برای مردم و باطل را به کفی که روی آن دو قرار می‌گیرد، تشبیه کرده است. و نشانه‌ها و معیارهای حق و باطل را در قالب این مثال بیان نموده، تا ما با ملاک قرار دادن آنها حق و باطل را تشخیص دهیم.

تفاوت‌های حق و باطل

۱. باطل، همواره **مستکبر**، بالانشین و پر سر و صدا است، ولی تو خالی و بی‌محتوا. مثل کف که حباب‌های تو خالی است، اما حق **متواضع**، کم سر و صدا، پر محتوا و سنگین است. [۷] [۸]
۲. حق، همیشه مفید و سودمند است، مانند آب که مایه **حیات** است و مانند طلا و نقره که با ارزش است، ولی باطل بی‌فایده و بیهوده می‌باشد. کف‌های روی آب هرگز کسی را سیراب نمی‌کند و گیاهی نمی‌رویانند و ارزشی ندارد. [۹] [۱۰]
۳. حق، همیشه متکی به **نفس** است و هرچه دارد از خود دارد. اما باطل همیشه از **آبروی** حق بهره می‌برد و از **حیثیت** او استفاده می‌کند و در سایه حق قدم بر می‌دارد. همان گونه که هر **دروغی** از راست فروغ می‌گیرد و اگر سخن راستی در جهان نبود هرگز کسی دروغی را باور نمی‌کرد. پس فروغ زودگذر باطل از **برکت** حق است و علت پایداری موقت باطل نیز با لباس حقانیت به میدان آمدن است. [۱۱] [۱۲]
۴. هر چند که «لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ وَ لِلْبَاطِلِ دَوْلَةٌ» [۱۳] حق و باطل هر یک دورانی دارند. اما دوران حق همیشگی و دوران باطل زودگذر است. باطل، مانند کف روی آب بعد از مدتی از بین می‌رود، ولی آب زلال و مفید برای مردم می‌ماند. «ما ینفع الناس فی الارض» [۱۴] آنچه برای مردم سودمند است در زمین باقی

می‌ماند.»

۵. باطل همواره دنبال بازار آشفستگی می‌گردد و از هرج و مرج استفاده می‌کند تا خود را نشان دهد، اما هنگامی که **نظم** برقرار شود، هویت آن آشکار می‌گردد و به سرعت کنار می‌رود. مثل سیلاب که وقتی در جوش و خروش است، آب با کف و اجسام دیگر مخلوط است، اما هنگامی وارد دشت می‌شود و آرام می‌گیرد، کفها زایل می‌شوند و آب زلال نمایان می‌گردد. [۱۵] [۱۶]

۶. **امام علی** - علیه السلام - در **نهج البلاغه** می‌فرماید: «اگر باطل با حق آمیخته نمی‌شد، حق بر حق‌خواهان پوشیده نمی‌گردید.» [۱۷]
مردم چند دسته‌اند: گروهی حق را می‌شناسند و از آن پیروی می‌کنند و گروهی باطل را می‌شناسند و دنبال آن حرکت می‌کنند و گروهی دنبال حق هستند ولی حق را نمی‌شناسند. این گروه دچار شبهه می‌شوند و **گمراه** می‌گردند. این افراد خواهان از حق اند، ولی چون کونه فکر و **ظاهرین** هستند، از راه حق منحرف می‌شوند و با اندک تبلیغات توخالی فریب طواهر را می‌خورند. بنابراین: برای تبعیت از حق، اول باید حق را بشناسیم «إِغْرِفْ أَلْحَقَّ تَعْرِفْ أَهْلَهُ» [۱۸] حق را بشناس تا اهلیش را بشناسی.»
اگر ما معیارهای حقانیت را بدانیم، هر کس که طبق آن معیارها حرکت کند حق می‌دانیم و هر کس را که بر خلاف آن قدم بردارد، باطل می‌شماریم.

نتیجه

یکی از راه‌های شناخت حق از باطل توجه به مشخصه‌های حق است که با استفاده از آیه قرآن ذکر شد. اگر کسی به نیروی **تقوا** مسلح باشد، تشخیص حق و باطل برای او یک **وعدۀ الهی** است. «هر کس تقوا پیشه کند خداوند به او نیروی تشخیص حق از باطل (**فرقان**) را عطا می‌کند».

معرفی منابع بیشتر

- مجله مکتب الاسلام، شماره‌های ۶ - ۷ - ۸ - ۹، سال ۲۲.

پانویس

۱. ↑ نحل/سوره ۱۶، آیه ۸۹. [۱]
۲. ↑ مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم.
۳. ↑ اصفهانی، راغب، مفردات قرآن کریم، ماده حق.
۴. ↑ مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ماده حق.
۵. ↑ اصفهانی، راغب، مفردات قرآن کریم، ماده حق.
۶. ↑ مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ماده حق.
۷. ↑ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۷. [۲]
۸. ↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، توحید، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۶۵.
۹. ↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۳، ص ۶۵.
۱۰. ↑ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۷. [۳]
۱۱. ↑ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۷. [۴]
۱۲. ↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۳، ص ۶۵.
۱۳. ↑ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۴۷. [۵]
۱۴. ↑ نحل/سوره ۱۳، آیه ۱۷. [۶]
۱۵. ↑ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۶۹. [۷]
۱۶. ↑ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، همان. ج ۳، ص ۶۵.
۱۷. ↑ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات فراهی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲، خطبه ۵۰.
۱۸. ↑ مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۷۹. [۸]

منبع

اندیشه قم. [۹]

رده‌های این صفحه : اخلاق اسلامی | حق و باطل